

گفت‌وگو با اولین مدیر اجرایی پروژه میدان شهدای مشهد

سرمایه اجتماعی پیش شرط مشارکت اقتصادی

+ تجربه اولین مشارکت مردمی در یک پروژه شهری

۱ مهدی پناهی - رضا حمتکش | پس از پیروزی انقلاب و اجرای عملیات بانکداری اسلامی و به تبع آن ممنوعیت بهره در اقتصاد، انتشار و دادوستد اوراق قرضه در سال ۶۲ متوقف و ممنوع شد، اما وجود ابزار دیگری در بازار مالی کشور که عملکردی مشابه اوراق قرضه داشته و در کنترل حجم نقدینگی و مهم‌تر از آن در تأمین مالی طرح‌های زیربنایی و همچنین طرح‌های تولیدی و خدماتی مؤثر باشد، ضروری به نظر می‌رسید، برای همین انتشار اوراق مشارکت مطرح و قانون نحوه انتشار آن در سال ۱۳۷۶ مصوب شد. کرباسچی شهردار اسبق پایتخت، برای نخستین بار استفاده از اوراقی مشابه اوراق مشارکت در سال ۷۰ را برای تأمین منابع مالی طرح بزرگ نواب به کار بست، اما همچنان برای تأمین کسری بودجه از استقرار از سیستم بانکی و بانک مرکزی استفاده می‌گردید. با اوراق مشارکت زمینه حضور مردم در فعالیت‌های توسعه‌ای و اقتصادی کشور و شهرها فراهم می‌شود، اما اوراق مشارکت آن‌طور که باید مورد استقبال مردم به‌ویژه در عرصه مدیریت شهری، قرار نگرفته است، پروژه «میدان شهدا» مشهد که از حدود سال ۸۶ و به جهت احیای بافت فرسوده این میدان و مناطق اطراف آن شکل گرفت از همان ابتدا عمده منابع مالی‌اش را از طریق اوراق مشارکت تأمین کرد، این پروژه ناتمام یکی از اولین پروژه‌های شهری در سطح کشور بود که در سطح وسیع و حتی ملی اقدام به عرضه اوراق مشارکت کرد؛ از این جهت به گفت‌وگو با دکتر سید مهدی درهمی پرداختیم که طی سال‌های ۸۶ تا ۸۹ مدیر اجرایی این پروژه بوده و امروز در کسوت استاد دانشگاه و مدیر عامل شرکت سپاد فعالیت می‌کند.

قادرند از خودگذشتگی کنند اما این بی‌نهایت نیست و این مسئله چیزی از تکالیف ما در قبال جامعه کم نمی‌کند. در مدل اقتصاد مقاومتی که باید در شهرها پیاده شود، به حضور فعال مردم احتیاج داریم؛ بین حضور فعال و غیرفعال تفاوت هست، مردم وقتی در سیستم بانکی سپرده‌گذاری می‌کنند، حضور پیدا کرده‌اند اما این حضور فعال نیست، حضور مردم زمانی فعال است که مثلاً در بازار بورس و سرمایه سهم خرید می‌کنند، چون انتخاب می‌کند، سهم کدام شرکت را بخرد، از مشارکت در بازار بورس بهتر وقتی است که خود افراد در برنامه‌ریزی هم نقش ایفا کنند، مدل‌هایی مثل تعاونی‌ها. پس وقتی صحبت از اوراق مشارکت می‌کنید، مشارکت مالی مردم به صورت فعال است و همه این مشارکت‌ها مغتنم است اما واقعیت این است که واگذار شدن امر مردم به خودشان از نوعی است که مردم در حوزه برنامه‌ریزی هم حضور داشته باشند، چیزی که در سال‌های اخیر به آن کم توجهی شده و مردم هم انگیزه‌ای برای ایفای نقش ندارند. به نظر می‌رسد هم مدیریت کشور و هم مدیریت شهری باید توجه به این موضوع کنند که ارزیابی فعلی از سرمایه‌های اجتماعی خیلی رضایت‌بخش نیست، باید شروع کنیم به برنامه‌هایی که منجر به افزایش سرمایه‌های اجتماعی در سطح جامعه می‌شود، این تجربه‌ای است که در کشورهای دیگر اتفاق افتاده است. در تعداد کمی از کشورهای دنیا اوراق مشارکت را

در رابطه با اصل مشارکت مردم و نسبت آن با اقتصاد مقاومتی توضیحاتی ارائه کرده و بفرمایید به چه شکلی می‌توان از مدل مشارکت مردم در توسعه بهره گرفت؟

در مدل‌های اقتصادی که اقتصاد مقاومتی یک نمونه از آن‌هاست، باید اول مردم را به سرمایه‌های اجتماعی تبدیل کرده و احساس عدم اعتماد را از آنان بگیریم، شما نمی‌توانید امروز انتظار داشته باشید که مردم با همه سیاست‌های اقتصادی شما همگام و همسو باشند چون هنوز تبدیل به سرمایه‌های اجتماعی نشده‌اند، البته ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مردم نشان داده‌اند در برخی شرایط، فراتر از انتظار ما هستند و

